

بررسی تطبیقی نقوش مهرها و سکه‌های هخامنشی

ساراتندولی¹، محمدرضا باقری لری²

1 دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران

(s_tnd2002@yahoo.com)

2 عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اشکذر، ایران

(mrbagherilori@yahoo.com)

چکیده

با توجه به شواهد یافت شده از هر قوم و تمدن، طرح و نقوش بدست آمده بیانگر فرهنگ و آداب و رسوم آن می باشد که نوشتار حاضر تلاش دارد تا با روش تطبیقی به بررسی نقوش مهرها و سکه‌های هخامنشی به عنوان یکی از باارزش ترین آثار این دوران بپردازد و با درک تفاوتها و شباهتها رابطه میان آنها را بررسی کند. نتایج حاصله نشان می دهد که باپیدایش سکه واهمیت آن به سبب دادوستد مردمان روش ضرب سکه‌های ایرانی متأثر از پیشینیان هخامنشی، به صورت فشاری و برگرفته از هنر مهرسازی بوده که بیشتر برای مقاصد رسمی فرمانروایان استفاده می شدند. بنابراین علی‌رغم وجود تفاوتها همواره تصویر پادشاه با کمان به عنوان علامت نیروی پادشاهی بر روی مهرها و سکه‌های این دوران خودنمایی می کند.

واژه های کلیدی: مهر، سکه، نقوش، هخامنشیان

Study of comparative designs stamps and coins of the Achaemenid

sara, tanadvoli¹; Mohammadreza, BagheriLori²

¹ student of MA in Department of Arts and Architecture, Islamic Azad University Yazd branch, Yazd, Iran

² faculty member of Islamic Azad University, Ashkezarbranch, Yazd, Iran

Abstract

According to the evidence found in any nation and civilization, designs and motifs contain vestiges of the culture and customs that article attempts to examine Achaemenid bas-relief stamps and coins as one of the most valuable works of that period by the comparative method and investigate them through understanding the differences and similarities. The results show that with the advent of the coin and its importance for the business, Iranian coins minted by the Achaemenid predecessors, comes from the construction of stamps which were used for official purposes of rulers. So despite differences, the picture of the king with a bow was shown on stamps and coins of this period as a sign of the kingdom.

keywords: stamp, coin, designs, Achaemenid

مقدمه

آثار هنری همواره در دل خود نقش‌ها و رمز و رازهای فراوانی دارند که حکایت از اعتقادات مردمان گذشته دارد. در میان آثار هنری ایران به‌خصوص عصر هخامنشی، مهرها و سکه‌های مزین به انواع نقش‌مایه‌ها، بخش عظیمی را تشکیل می‌دهند که در پی بردن، به اوضاع اجتماعی و خصوصیات زندگی مردم از آثار ذی‌قیمت به شمار می‌آیند و سهم مهمی در آشکار ساختن مناسبات بین اقوام و تأثیر و نفوذ هنری هر یک بر دیگری دارند.

مهر¹ در واقع امضایی مربوط به افراد مختلف و نمایشی از قدرت اجتماعی است که سیستم جامعه را نظم و انضباط می‌بخشد همچنین نقوش سکه‌ها، معرف عادات، سنن، فرهنگ، هنر، مذهب و وضع اجتماعی و اقتصادی هر دورانی است که از طریق آن‌ها می‌توان به جنبه‌های قدرت و ضعف حکومت و نیز قدرت فکری و معنوی و پیشرفت تمدن و فرهنگ مردمان آن عصر پی برد.

1- مهرهای باستان

حس زیبایی‌شناسی بشر و نیازهای او را بر آن داشت که پس از بیرون آمدن از پناهگاه‌ها و غارها، با سکونت در دشت و زندگی شهرنشینی به دست‌ساخته‌های خود، طرح‌ها و نقوش را بیفزاید تا آن اثر هنری، زیباتر و ماندگارتر شود. او با نقر و کندن بر روی قطعات استخوان، سنگ، سنگ قیر، گل رُس و ... نقوش مدنظر خود را اجرا نمود تا خواسته‌های مادی و ظاهری، امیال و محسوسات روحی و فکری خود را به منصف ظهور رساند و بدین ترتیب توانست به صاحبان مهر اطمینانی دهد تا در دنیای مادی و معنوی با به همراه داشتن این جسم کوچک و ظریف با آرامش زندگی کند و درعین حال مالکیت فردی خود را نیز مطرح کند. پس اولین اثر مهر که احراز مالکیت بود ایجاد شد (رضایی آذر، 1387 و 17). در عصر حجر از انواع دکمه به‌جای مهر استفاده می‌کردند بعدها با ایجاد فرهنگ شهرنشینی و توسعه دادوستد، نیاز به وسیله‌ای که با آن مالکیت فردی ثابت شود، افزایش یافت و در پی آن ساختن مهر از مواد مختلفی مثل سنگ مرمر، سنگ صابون، عاج، طلا، نقره، مس و غیره صورت پذیرفت (فکری پور، 1391 و 39).

با پیدایش مهر در هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد مرحله جدیدی در مناسبات تجاری و معاملات پدیدار گشت. مهور کردن انواع کالاها و ظروف نشانه مالکیت صاحب کالا بوده بنابراین پایه و اساس شناسایی مرغوبیت کالا با توجه به صاحب کالا و مهر سازنده فروشنده آن معین می‌شود. به غیر از کالاها که مزین به اثر مهر و امضا صاحب کالا بود و اسناد مالی و اداری نیز مهر و به نقاط دور و نزدیک فرستاده شدند. نقوش روی مهرها با رشد و توسعه تمدن در دوره‌های بعدی از فرم‌های ساده و ابتدایی به شکل مختصر و به صورتی روایی درآمد که این امر سبب تغییراتی در شکل مهرها نیز گشت (رضایی آذر، 1387 و 17).

در مطالعه و مقایسه‌ی مهرهای به‌دست‌آمده، شکل مهرهای قدیمی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- مهرهای مخروطی شکل که ابتدایی‌ترین طبقه مهر را تشکیل می‌دهد.
- مهرهای گنبدی شکل
- مهرهای لوله‌ای یا استوانه‌ای شکل؛ جنس این مهرها غالباً از سنگ بود ولی از عقیق و مرمر و سنگ‌های قیمتی نیز ساخته می‌شد و در عصر هخامنشی استعمال آن رایج گشت.

شکل مهرهای اولیه دگمه‌ای یا نیمه کروی، بیضی، مخروطی، مکعب مستطیل بوده است و بر اساس نوع کارکرد (عمل مهر

کردن)، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: 1- استوانه‌ای (سیلندری - غلتان) 2- مسطح (استامپی)

از این رو با توجه به خصوصیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی هر دوره و توأم ساختن این ویژگی‌ها با دستاوردهای فرهنگی هنری آن دوران، به‌طور کلی می‌توان سه کاربرد اصلی را برای انواع مهرها در نظر گرفت:

- کاربرد اقتصادی و حقوقی

الف) مهر و موم کردن در خمره‌ها یا هر نوع ظرف حاوی کالاهای تجاری یا سیاسی

ب) مهمور کردن درب انبارها

- کاربرد مذهبی و اعتقادی

- کاربرد تزئینی و هنری

نقوش و علائم روی مهرهای باستان شبیه به خطوط اولیه مصری و در حقیقت جنبه نقاشی داشته و رواج و استعمال آن‌ها در ایران پس از ورود و هجوم ایلامی‌ها در حدود 3500 ق.م صورت گرفته است. در آن زمان این نقوش و علائم مشخص‌کننده صاحب آن بودند (رضایی آذر، 1387 و 17). نقوش اولیه، علامت بسیار ساده مانند نیم‌دایره، مثلث، علامت صلیب، خطوط متوازی، خط و نقطه می‌باشد که همه دارای معانی مخصوص و یا علامت مشخصه اشخاص بوده است. به‌مرور این نقوش پیچیده‌تر و اشکال آن‌ها کامل‌تر و زیباتر می‌شود چنان‌که روی مهرهای استوانه‌ای، نقوش حیوانات و شکارگاه‌ها، درخت‌ها و انسان و حیوان در حال جنگ دیده می‌شود.

1-1- مهرهای هخامنشیان

کوروش هخامنشی با پیروزی بر مادها در سال 550 ق.م و تسلط بر سرزمین‌های تابعه و به زیر سلطه درآوردن لیدی دولت هخامنشی را پایه‌گذاری کرد. پس از او داریوش با تسلط بر سرزمین‌های تابعه و گرفتن خراج و مالیات از آن‌ها سبب رونق اقتصادی و رشد و تعالی کشور گردید. آن‌ها که وارثان فرهنگ و تمدن و هنر اقوام بومی و پیشین فلات ایران و نیز فاتحان حکومت‌های ماد، ایلام، بابل، آشور، اورارتو و جز این‌ها بودند، طبیعتاً در هنر و فرهنگ خود، هم از فرهنگ‌های بومی پیشین و هم از تمدن و هنر فرهنگ‌های تابعه تأثیر می‌پذیرفتند (هژبری نوبری و همکاران، 1389 و 80).

پیش از اینکه خط را بر روی الواح گلی و سنگ‌ها نقش کنند در روی مهرهای استوانه‌ای و نگین‌ها نقش می‌کردند استفاده از این مهرها که در جنوب غربی ایران سابقه‌ی طولانی داشتند از زمان کوروش با تأثیرپذیری از ایلام و بین‌النهرین رایج شد (نامجویان، غفاریان، 1384 و 305). پیش از ایران، در بین‌النهرین (بابل و آشور) و ایلام از لوح‌ها استفاده می‌شد. هخامنشیان که این شیوه را مفید یافته بودند، آن را در نظام اداری و دیوانی خود به کار گرفتند. این لوح‌ها قرص‌های بیضی شکل به‌اندازه کف دست از جنس خاک رس بودند که در زمان موردنیاز، سطح آن‌ها صاف می‌شد و با خط میخی روی آن‌ها نگاشته می‌شد و برحسب نیاز در چند نسخه تولید می‌شدند و افراد از طریق زدن مهر خود، محتوای آن را تأیید می‌کردند. هر عضو دربار که به‌گونه‌ای با سازمان اداری سروکار داشت، می‌بایستی همیشه مهر خود را به همراه داشته باشد. نمونه‌ای از آن‌ها از مقر ساتراپ ایرانی سارد به‌دست‌آمده است (حسین بر، 1387 و 44)

از آن جهت که نقش مهرها روی لوحهای تاریخدار برجای مانده، در گوشه‌ای از مهرها اغلب کتیبه‌نویسی هم شده است (فریه، 1374 و 43). این کتیبه‌ها، گاهی اوقات به خط میخی و سه زبانه (بابلی- ایلامی- فارسی باستان) هستند. در این مهرها اسامی شاهان و درباریان قرن پنجم ق.م دیده می‌شود در این میان، مهرهایی که مورد استفاده تجار و یا مأمورین رسمی دولت بوده به زبان‌های آرامی یا فینیقی حکاکی شده‌اند (فکری پور، 1391 و 42). بهترین مجموعه کتیبه‌های به دست آمده، جامهرها بر لوحهای گلی مکشوف در گنج‌خانه تخت جمشید می‌باشد و تاریخ آن‌ها، متعلق به فاصله زمان میان آخرین سال‌های عمر داریوش و اولین سال‌های سلطنت اردشیر اول، یعنی دوران وفور نقش برجسته‌کاری‌های ساختمانی بوده است. مجموعه مهم دیگر، جامهرهای روی متون "استحکامات" است که متعلق به زمانی قبل تر بوده است. این جامهرهای منظم به کتیبه‌های داریوش اول و خشایارشا اول، مهرهای شخصی پادشاهان نبودند، بلکه توسط دیوانیان برگزیده‌ی شاه به کار می‌رفتند و نقش "خدای حیوانات" را داشتند که از متداول‌ترین صحنه‌های کنده‌کاری روی مهرهای بین‌النهرین بود. در این نقوش، "قهرمان" با لباس پارسی نشان داده شده که دو جانور وحشی را به زیر سلطه‌ی قدرت خود درآورده و معمولاً دو جانور به‌طور متقارن بر دو طرف او قرار گرفته‌اند، گاهی نیز او را در رویارویی با یک جانور نشان داده‌اند. صحنه رایج دیگر، پرستش نمودگار معرف اهورامزدا می‌باشد که به اشکال متفاوت تجلی می‌یابد، از جمله "حلقه‌ی بالدار" یا دو یا چهار بال که غالباً بالاتنه انسانی از میان حلقه‌ی آن بیرون آمده، یا حلقه و هلالی در هم ظاهر می‌شود که روی گور دخمه‌های شاهان هخامنشی حک شده و از سویی هم در بین‌النهرین نماد رب‌النوع ماده به شمار می‌آمده است. غالباً این نقش حلقه بالدار بر بالای صحنه نقش بسته است و در پس‌زمینه نیز درخت نخلی به علت نامعلوم قرار داده شده است. دیگر صحنه‌های نقش بسته بر مهرها مشتمل‌اند بر: جنگ، شکار، جانوران یا عفريتان اساطیری، مراسم پرستشگری، مانند نقش ایستاده در کنار آتشگاه با لباس مادی، یا میزی با هاوونی قرار گرفته بر روی آن، شبیه آن‌ها که با کتیبه‌ای به زبان آرامی در گنج‌خانه تخت جمشید یافت شده‌اند (فریه، 1374 و 43) و همچنین نقش حیواناتی از قبیل گاو، بز غزال، گوزن و آتشدان و عود سوز که اقتباس شده از هنرهای آشوری و آسیای صغیر است در برخی صحنه‌های آیینی دیده می‌شود (نامجویان، غفاریان، 1384 و 305). (تصویر 1)



تصویر 1- مهر استوانه‌ای با نقش شاهین و چشم هوروس (از نمادهای مصر باستان) و عودسوز و گاو بالدار (از نمادهای هخامنشی)
مأخذ: (محمد پناه، 1385 و 144)

مهرهای استوانه‌ای به دست آمده از کاوش‌های مارلیک، متعلق به دوران قبل از مادها در ایران و همچنین مهرهای حکاکی شده ملت سومر، مسلم می‌دارد که آشوری‌ها و سپس یونانی‌ها از آن‌ها این هنر را فرا گرفته‌اند. در این میان، نقوش برخی از مهرهای نیمه دوم هزاره چهارم ق.م نمایانگر صحنه‌های مرتبط با کشاورزی از قبیل شخم زدن، بذر پاشیدن و جمع‌آوری غلات است (علی

بیگی، خسروی، 1388 و 86). از هزاره‌ی چهارم تا اواسط هزاره‌ی اول ق.م که شاهنشاهی هخامنشی تأسیس گردید، نقش مهرها اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اعتلا و برتری یا انحطاط و ضعف ایلامیان را روشن می‌سازد. در این دوره تصاویر ایزدان و قهرمانان سومر و بابل جز ایزدان ایلامی درآمدند و یا الهه‌های شبیه الهه‌های آشوری با تاج پردار بر روی مهرها دیده شدند (فکری پور، 1391 و 40).

از آنجاکه هنر مهرسازی بلافاصله بعد از مجسمه‌سازی پدیدار گشت آن را می‌توان مجسمه‌سازی بسیار کوچک نامید. حکاکی مهرها غالباً بر روی سنگ‌های قیمتی انجام می‌شد ولی با این تفاوت که به‌جای آن که مانند حجاری‌های بزرگ تصویر را به‌طور برجسته حک کنند، آن را در سنگ نقش می‌کردند (سرفراز، فیروزمندی، 1385 و 158).

با توجه به ویژگی‌های خاص مهرها در این دوران، مهرهای استوانه‌ای، مهرهای مسطح و مهرهای حلقه‌ای روش‌های گوناگونی از شیوه آشوری و بابل جدید تا سبک جدید یونانی را منعکس می‌سازند که یکپارچه شدند (فریه، 1374 و 43). کاربرد آن‌ها به این صورت است که مهرهای استوانه‌ای برای اهداف رسمی و مهرهای استامپی و حلقه‌ای به‌عنوان مهرهای خصوصی و به‌صورت نگین بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفتند (فکری پور، 1391 و 41).

1-1-1- مهر استوانه ای

مهر استوانه‌ای که در لاتین به آن سیلندر می‌گویند، مهرهای حکاکی شده‌ای است به‌صورت استوانه به همراه یک سوراخ در درون آن برای گذاردن میله‌های فلزی و با ریسمان آن را به گردن می‌انداختند. پیش از پیدایش خط با علائم و نقوش که هریک از آن‌ها معنی و مفهوم خاصی داشته است روی آن‌ها را نقر می‌کردند و پس از پیدایش خط مطالب و فرمان‌ها را می‌نوشتند و تکثیر می‌کرده‌اند در برخی موارد نیز به مهر نوشته‌ای می‌افزودند که صاحب مهر را مشخص می‌کرد. این نقوش و علامات بر بدنه‌ی استوانه در نهایت ظرافت و دقت نقر می‌شد و در مواقع استفاده، این استوانه سنگی کوچک را روی لوحی از گل یا نظیر آن با فشار می‌غلطاندند تا به این طریق علائم و نقوش مهر به‌صورت برجسته بر صفحه‌ی لوح نقش گردد. اما مهرهای کوبیدنی را درون چفت یا قلابی از جنس طلا یا نقره که به یه حلقه منتهی می‌شد، جا می‌دادند (بروسیوس، 1385 و 79). از دوران مادها به بعد این مهرها در روی سنگ‌های مختلف و قیمتی حکاکی شده‌اند. این مهرها از سنگ‌های عقیق، یمانی آبی مات، سنگ لاجورد، سنگ آهک تیره معمولی، سنگ صابون، گل پخته و حتی بلور ساخته می‌شدند که احتمالاً مهرهای ساخته‌شده از مواد پست مانند سنگ آهک و سنگ صابون یا گل پخته به کارمندان رده پایین تعلق داشته‌اند که از عهده‌ی تهیه‌ی سنگ‌های ظریف بر نمی‌آمدند (فکری پور، 1391 و 42). پیش از هخامنشیان در بابل، یعنی سرزمین اصلی مهرهای استوانه‌ای این نوع مهرها جای خود را به مهرهای مسطح داده بود. در آشور نیز از زمان سارگون (705-721 ق.م) مهرهای مسطح به‌عنوان مهرهای رسمی سلطنتی مورد استفاده قرار گرفته بودند (سرفراز، فیروزمندی، 1385 و 158). مهرهای هخامنشی از نظر سبک و نقش کاملاً از یکدیگر متفاوت بودند ولی از لحاظ نحوه‌ی کاربرد تفاوتی میان مهرهای پیش از آن‌ها و این دوره وجود ندارد. انتخاب نقش و سبک آن‌ها اتفاقی نبوده و سفارش‌دهندگان در انتخابشان دقت می‌کردند. زیرا نقش و سبک معیاری برای شناسایی صاحب مهر از نظر مسئولیت و موقعیت اداری و جایگاه اجتماعی محسوب می‌شده است (فکری پور، 1391 و 44).

این مهرها در اواخر ماد و سپس زمان هخامنشیان از نظر هنر به حد کمال می‌رسند. مهم‌ترین آن‌ها، مربوط به اواخر سلطنت داریوش اول تا اوایل سلطنت اردشیر اول است. زیرا در این زمان شکل استوانه‌ای بیش از سایر اشکال رواج داشته است (نامجویان، غفاریان، 1384 و 305). بسیاری از این مهرها نفوذ شیوه‌ی نگارگری یونان را آشکار می‌سازند. شاید بتوان گفت که با رواج طومار

پاپیروسی به جای لوح گلی برای ضبط مدارک تاریخی، مهرهای مسطح جانشین مهرهای استوانه‌ای شدند ضمن این‌که نگاره‌های ناب هخامنشی در برابر هجوم نقش‌های یونانی عرصه را خالی کردند (فریه، 1374 و 43). در این میان، مهرهای ساخته شده با سبک ایرانی، برای مقاصد اداری به‌وسیله فرمانروایان اولیه هخامنشی از داریوش یکم (486-522 ق.م) تا اردشیر یکم (424-456 ق.م) به کار می‌رفتند و افراد ویژه، مهرهای حلقه‌ای یا مهرهای مسطح داشتند و همانند عیلام و بین‌النهرین، افراد عادی نیز بیشتر مهرهای مسطح را مورد استفاده قرار می‌دادند که این مهرها عموماً دارای همان مضامین و نگاره‌های مهرهای استوانه‌ای بودند (سرفراز، فیروزمندی، 1385 و 158).

بنابراین تصاویر و نقوش مهرهای آن دوره به‌طور کلی به گروه‌های ذیل تقسیم‌بندی می‌گردد: 1- مجالس مهمانی 2- صحنه‌های جنگ 3- صحنه‌های شکار 4- تصاویر حیوانات با درخت مقدس یا بدون آن 5- تصاویر حیوانات در ارتباط با انسان 6- تصاویر اسفنجس و گریفن

در صحنه‌های شکار، تصویر شخصی با لباس پارسی و تاجدار در حالت‌های نبرد تن به تن یا در حال تیراندازی به حیوانات مشاهده می‌شود. این شخص گاهی بین دو حیوان بالدار یا ایستاده و گاهی مسلح به تیر و کمان یا نیزه است و گاهی در حال بلند کردن آن‌ها از طریق پاهای عقبی حیوان هست (دشتی، 1392 و 174).

با توجه به نقوش مهرها چنین برمی‌آید که موضوع‌ها از جهان مذهبی خارج شده و وارد دنیای عادی گردیده است. درون‌مایه آن‌ها همانند مهرهای آشوری بیشتر جنگ یا شکار نشان داده شده و شکار کننده سوار بر ارابه و یا پیاده تیر و کمان به دست، دشمن یا حیوان را مغلوب می‌کند در این تصویر کمان نشانه‌ی قدرت شاهی بوده و حرکات به‌صورت طبیعی نشان داده شده است. در بسیاری از موضوع‌های مربوط به زندگی روزمره یا تصاویر حیوانات در حال تاخت، پادشاه شرکت ندارد و این‌گونه تصاویر مربوط به مجالس ملی می‌باشد. البته اشخاصی که در این مجالس شرکت کرده‌اند معمولاً از خود تحرک چندانی ندارند و هنرمند در به‌کارگیری چنین شیوه‌ای جهت نشان دادن تصاویر، احتمالاً از هنر یونان الهام گرفته است (سرفراز، فیروزمندی، 1385 و 160). گاهی نیز از موضوع‌های مهرهای قدیم مشرق زمین الهام گرفته شده است که در میان مجلس، خدا و آتشدان و پادشاه مجسم گردیده و اطراف شاه به‌صورت قرینه، موضوع‌های دیگر اضافه شده است. گاهی برای تجسم یک منظره، درخت خرمایی را در زمینه نشان داده‌اند بدون اینکه رابطه‌ای با قسمت‌های دیگر نقش داشته باشد. در تمام این مهرها قهرمان مجلس پادشاه همیشه پیروز است. درون‌مایه بیشتر مهرهای اداری، صحنه‌های نبرد پهلوانی است که بر حیوانات یا مخلوقاتی اعمال زور می‌کند و صحنه به‌صورت شخصی که دو حیوان را از خود دور نگاه داشته است به تصویر کشیده می‌شود. این حیوانات اغلب بز کوهی بالدار و ریش‌دار، اسفنجس (ابوالهول)² و شیر هستند و قرص بالدار همانند مهرهای آشوری نو و بابلی نو در آن‌ها دیده می‌شود (فکری پور، 1391 و 41). بر روی تمام این مهرها، مجلس پادشاه همیشه پیروز است و این به منزله‌ی نشانه‌ای در دولت هخامنشی است. مشهورترین این مهرها مربوط به داریوش بزرگ است که نام وی با نوشته‌ای به سه زبان بر روی آن دیده می‌شود.

1-1-2- مهرهای مسطح (استامپی)

از قرن پنجم پ.م به تقلید از هنر یونان، مهرها تدریجاً به صفحات مدور یا بیضی همراه با تصاویر بر روی آن‌ها مبدل شد. این مهرها که بنا بر سنت‌های قدیم آسیای صغیر ساخته می‌شدند جز دسته مهرهای استوانه‌ای شکل به شمار می‌آیند و معمولاً در بخش‌های غربی شاهنشاهی مور استفاده قرار می‌گرفتند. از این جهت موضوع نقوش آن‌ها شبیه مهرهای استوانه‌ای بوده و معمولاً قهرمانی را در حال غلبه بر حیوانات اساطیری نشان می‌دهد. این حیوانات آهو یا بز کوهی، گرگ، کفتار، روباه در حال دویدن، ملخ،

موش، خروس در حال جنگ، عقرب یا ابوالهول بالدار هستند. بر روی بعضی از آن‌ها قرص خورشید بالدار و نشانه‌ی اهورامزدا نیز دیده می‌شود. اگرچه بسیاری از این مهرها همان نقوش مهرهای استوانه‌ای شکل را دارند اما سبکی که مبین سلطنتی بودن آن‌ها باشد دیده نمی‌شود و فقط یک پیکر بر آن کنده شده است (فکری پور، 1391 و 42).

مهرهای این دوره را می‌توان به دو دسته عمده، مهر مقامات و بلندپایگان و مهر زنان تقسیم کرد:

1- مهر مقامات و بلندپایگان

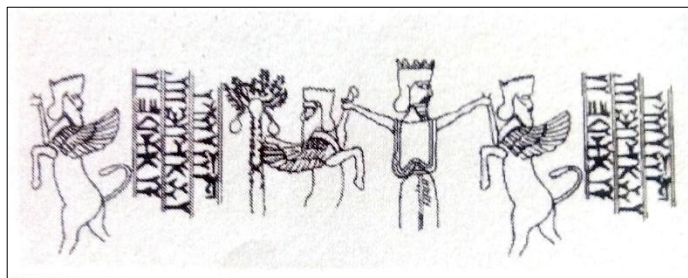
از مهرهای معروف می‌توان به مهر منصوب به کوروش اول اشاره کرد. صحنه نقش شده بر روی آن به سبک هنری دوره ایلامی متأخر است. این صحنه مردی را سوار بر اسب نشان می‌دهد که با نیزه‌ای به دشمنان خود حمله می‌کند. درحالی‌که دو دشمن کشته شده و در زیر سم اسب او افتاده‌اند. از آثار مهم یافت شده در مصر، مهرهای پادشاهی است که در اکثر ساتراپ‌ها و کشورهای ملل تابعه امپراتوری هخامنشی این مهر پادشاه بزرگ رایج بوده است. چنان‌که در زمان داریوش تمام مقامات عالی‌رتبه، از جمله کلیه استانداران، یک چنین مهری را با نام داریوش داشته‌اند. یک نمونه از مهر داریوش در مصر به دست آمده که فقط یک نمونه منحصر به فرد بوده است و احتمالاً داریوش اول در سال 487 ق.م در مصر آن را به استانداران تازه منصوب شده اعطا کرده بود (ولایتی، 1387 و 96). این مهر از استوانه‌ای بلوری تشکیل شده و تصویر شاه را در کنار ارایه‌ران خود در ارایه‌ای نشان می‌دهد که با دو اسب کشیده می‌شود. درحالی‌که کمانش را به سوی شیری که بر روی پایش در مقابل ارایه ایستاده نشانه رفته است. یک شیر روی زمین مرده و دو طرف تصویر دو درخت نخل قرار دارد. بالای صحنه قرص بالدار نماد اهورامزدا به چشم می‌خورد. لازم به ذکر است این مهر با آنکه نام داریوش بر آن حک شده، مهر شخصی شاه بوده و احتمالاً به یکی از صاحب‌منصبان عالی‌رتبه شاهنشاهی تعلق داشته است (فکری پور، 1391 و 43). (تصویر 2)



تصویر 2- مهر استوانه‌ای داریوش بزرگ- محل کشف: معبدی آمون مصر
مأخذ: (محمد پناه، 1385 و 144)

دومین نمونه از مهرهای این دوران در مصر، یک مهر غلتان یا استوانه‌ای و توخالی است. بر روی تصویر، یکی از پادشاهان هخامنشی که یک نیزه‌ای در دست دارد ایستاده، کنده‌کاری شده است و در جلوی او دو فرعون مصر زانورده‌اند (ولایتی، 1387 و 96). از خزانه‌دار تخت جمشید مهری برجای مانده که از شاهکارهای هنر مهرسازی است. نقش این مهر پهلوان شاهی را در حال پس راندن دو موجود با سر انسان و بدن حیوان نشان می‌دهد. بر روی این مهر کتیبه سه زبانه به چشم می‌خورد (فکری پور، 1391 و 43). همه دریافت‌ها و پرداخت‌های خزانه به امضا (= مهر) می‌رسیدند. لوح گلی که هنوز خشک نشده بود برای مهر شدن

آن را نزد رئیس تشریفات و در برخی موارد نزد مسئولان رده بالای دربار می بردند تا آن را رسیدگی و بعد آن را مهر می زدند (گرکز، 1387 و 131). (تصویر 3)



تصویر 3- مهر خزانه دار تخت جمشید
مأخذ: (فکری پور، 1391 و 44)

2- مهر زنان هخامنشی

زنان بلندپایه هخامنشی اداره املاک بزرگ و کارگاه های عظیم را بر عهده داشتند. از این رو از مهرهای خصوصی استفاده می کردند. یکی از این مهرها مهر دختر کوروش همسر داریوش اول است. نقش این مهر پهلوانی با لباس آشوری را نشان که دست دو گاو بالدار با سری شبیه انسان را به دست گرفته است. مهر دیگر متعلق به نخستین همسر داریوش اول است. نقش مهر، سوارکاری نیزه به دست در حال تعقیب دو گورخر نشان می دهد. نقوش این مهرها زنانه نیست و تمایل به برابری با مردان را نشان می دهد. در نمونه های دیگر مهرها، تصویر زنان نیز به چشم می خورد (فکری پور، 1391 و 44). در حالی که آنچه مربوط به شخص شاهنشاه می شد در تمام مدت پادشاهی این دوران ثابت باقی ماند و شاه همواره با کمان بر روی مهرها نقش شده است که این کمان به علامت نیروی پادشاهی در این دوران محسوب می شد.

در مهرها غالباً نوشته ای مشاهده نمی شود و اگر هم باشد، به خطوط و زبان های گوناگون نوشته شده است. بیشترین موضوع مشترک در مهرها، نمایش شخصی تاجدار با لباس پارسی است که پیروزمندانه بین دو موجود بالدار و یا دو حیوان (اغلب شیر) ایستاده است. یکی از مهم ترین موضوعات که بر روی مهرهای این زمان دیده می شود اهمیت شاهنشاه را در کشتن حیوانی که به شکل شیر می باشد نشان می دهد (دستی، 1392 و 174). (تصاویر 4 و 5)



تصویر 4- مهر استوانه‌ای با نقش نبرد پادشاه و پهلوان پارسی با شیر و گاو نر؛ محل کشف: جنوب بین‌النهرین عراق
مأخذ: (محمد پناه، 1385 و 144)



تصویر 5- مهر استوانه‌ای شاه در حال شکار شیر با تیروکمان
مأخذ: (دشتی، 1391 و 182)

بنابراین موضوعات روی مهرها معرف منازعه شاه در جدال با جانوران و هیولا بوده و یا صحنه شکار را مانند صحنه‌ای که روی استوانه مشهور داریوش نقش شده است، تصویر کرده‌اند. همچنین باید از حکاکان مسکوکات صادراتی شاهنشاه که همواره شاه را به صورت کماندار مجسم می‌کردند و نقش سکه حکام ایالات غربی یاد کنیم (گیرشمن، 1390 و 201).

در بسیاری از نقوش نیز، شاه در حال شکار گراز است (خوک وحشی) و این تصویر تا زمان ساسانیان هم رواج داشته است. تعدادی نیز نقش حلقه اهورامزدا را دارد که بین دو حیوان یا بین دو دیو است. گاهی هم نقوش استوانه‌ها اشاره به وقایع تاریخی دارد که تاریخ ساخته شدن این مهرها دقیقاً معلوم نیست. سی‌وشش عدد از آن‌ها را می‌توان از روی نوشته‌هایی که دارند تاریخ‌گذاری کرد. مثلاً می‌توان فهمید که بعضی، از سی و دومین سال سلطنت داریوش اول تا شانزدهمین سال سلطنت اردشیر سوم می‌باشند. این مهرها تعدادی به سه زبان با خط میخی نوشته شده و آن‌هایی که مورد استعمال تجار و یا مأمورین رسمی دولت بوده به زبان‌های آرامی و یا فنیقی حکاکی شده‌اند (کالیگان، 1384 و 186).

پیش از پیدایش سکه 4، دادوستد میان اقوام بر اساس مبادله کالا و اجناس بود. هر یک از جوامع کالایی خاص تولید و آن را با محصولات اقوام دیگر مبادله می کردند، تبرهای سنگی، تکه های نمک، ظروف سفالین، البسه پوستی نمونه ای از آن ها هستند. زمانی انسان به اهمیت دادوستد پی برد که از طریق سیستم معاملاتی به سود فراوان دست یافت و با شروع دوره فلزات، تحول عظیمی در سیر تکامل جوامع انسانی آغاز گردید و در حقیقت نظام اقتصادی و اساس بازرگانی و تجارت پایه گذاری گردید؛ بنابراین از فلزات مختلف مانند مس، نقره، طلا و همچنین برنز (مخلوط مس و قلع)، اشیایی به شکل شمش، حلقه، میله و قطعات چهارگوش تهیه گردید و وسیله ای معاوضه و مبادله در معاملات قرار گرفت. به گفته ی هرودت مورخ بزرگ یونانی " لیدی ها اولین مردمی هستند که سکه نقره و طلا ضرب زده اند" (سرفراز، آورزمانی، 1391 و 5).

بنابراین انسان توانست با شناخت فلز و عمل مهر زدن به اهمیت آن در ساختن وسایل مورد نیاز خود پی برد و مهارت ساختن انواع لوح ها و مهرهای مختلف را به دست آورد. او دریافت چگونه بر قطعه های فلز نقش ها را حک کند که به عنوان یک استاندارد مطرح گردد (خادمی ندوشن، 1379 و 187). بدین ترتیب با گذشت زمان تجار بزرگ و دولت ها برای سهولت در کارهای اقتصادی، علاماتی بر روی شمش ها و حلقه ها که وزن معین و ثابتی داشتند نقر کردند و بالاخره لزوم نظم و ترتیب در امور اقتصادی و معاملات بین ملت ها و توسعه ی تجارت منجر به اختراع سکه گردید (سرفراز، آورزمانی، 1391 و 6).

نخستین هدف از به وجود آوردن سکه ها، نشانه ی قومیت، استقلال و آزادی بوده است، با این وجود، در آن زمان سکه از وسایل آسان کردن مبادلات و تجارت به حساب می آمد و بعدها این جنبه بر جنبه دیگر کار برتری یافت. امتیاز دیگر ضرب سکه، نشانه ی پیشرفت تمدن و توجه به فرهنگ بود. نخستین گام برای ضرب در هزاره سوم ق.م در تمدن های مصر، ایران، بین النهرین و سند و پنجاب برداشته شد. در این زمان قطعات فلزی به اشکال مختلف از جنس طلا، نقره و مس که به "شبه سکه" معروف اند به تدریج به جای مبادله پایاپای استفاده گردید. اولین سکه ها، پیش از هخامنشیان در حدود 2600 سال پیش توسط لیدی ها ساخته شد. در حالی که در ایران اغلب زر و سیم را به صورت شمش استفاده می کردند. در آن زمان سکه بسیار کم بود و تنها شاه می توانست سکه ی طلا بزند. در زمان داریوش ضرب سکه رواج پیدا کرد و به تدریج میان اقوام کوچک و بزرگ رایج شد و چنین بود که سکه های مخصوصی هم در زمان تاج گذاری به وجود می آوردند و برحسب ثروت و هنر مملکت، جنس آن ها از طلا یا نقره و به اشکال گوناگون بود (قهرمانی، 1349 و 23).

2-1- سکه های هخامنشی

کوروش در سال 546 ق.م پس از پیروزی بر کروزوس و فتح سارد نخواست چنین اختراع مفید و گران بهای سکه را سبب تغییر وضع اقتصادی شده بود از میان بردارد و حتی به نظر می رسد در نشر آن سعی نمود. با آنکه کوروش (529-559 ق.م) متوجه لزوم ضرب سکه و تأسیس ضربخانه بود، مرگ وی این فرصت را به او نداد و ضرب سکه های محلی در شهرهای ساحلی آسیای صغیر، در تمام دوران سلطنت کوروش و کمبوجیه، مانند گذشته ادامه یافت، اما سکه هایی که در ضربخانه سارد ضرب می شد، سکه های سلطنتی بود. کمبوجیه (529-521 ق.م) در دوره کوتاه مدت پادشاهی خود به جهت لشکرکشی های مداوم، فرصت پرداختن به امور داخلی را نیافت، اما داریوش اول (521-485 ق.م) پس از برقراری نظم در امپراتوری و پرداختن به امور داخلی کشور و ممالک تابعه، وضع اداری و مالی را قوام بخشید و متوجه لزوم ضرب سکه شد از این رو بنا به دستور او ضربخانه ها تأسیس گردید و با روش معینی شمش های زر و سیم برای ضرب سکه از خزانه به ضربخانه ها فرستاده شد و سکه های زرین این دوران را "دریک" و سکه های سیمین را "شیکل" نامیدند (سرفراز، آورزمانی، 1391 و 11).

گرچه در موزه بریتانیا سکه‌ای منصوب به کوروش موجود است اما مورخین شروع ضرب سکه را در ایران به داریوش بزرگ (486-541 ق.م) نسبت می‌دهند. ضرب سکه به اقتدار حکومت سیاسی پادشاه وقت ارتباط مستقیم داشت و نقوش حک شده بر آن‌ها نشان‌دهنده فناوری بومی و توان و مهارت هنرمندان آن عصر است. سکه‌های هخامنشی را می‌توان از جمله مسکوکاتی دانست که با هنر ایرانی ضرب گردیده بودند. اگرچه آنان از نظر بازرگانی در ارتباط مستقیم با یونانیان بودند روش ضرب آنان متأثر از روش ضربی و فشاری بوده است (خادمی ندوشن، 1379 و 190).

2-1-1- سکه‌های فشاری

سکه زنی با ضرب سکه‌های ضربی آغاز نمی‌گردد. روش ضرب سکه‌های فشاری یا شمشی احتمالاً برگرفته از تجربه‌ی مهرسازی است و سال‌ها قبل از هخامنشیان در سیستم دادوستد قرار گرفته که این سکه‌ها جایگزین مهرسازی شده و تا قرن سوم بعد از میلاد در شرق ایران در جریان بوده است (همان، 187).

سکه‌های گلبولی در آسیا و هند، برخاسته از تمدن اوزانی و مهرسازی است که این فرهنگ اوزانی ابتدایی با فرهنگ مهرسازی ترکیب و سکه‌های گلبولی را ایجاد کرده است. گلبول‌های مسی اولین فلزاتی بودند که برای دادوستد در سرزمین هند مورد استفاده قرار گرفته است که با فشار علائمی مانند مهر روی سکه نشانه‌هایی روی آن ایجاد می‌کردند. این سکه‌ها که تلفیقی از هنر مذکور و فناوری بود، به آرامی جای خود را به فناوری سکه‌های فشاری داد. روش ضرب سکه‌های فشاری با استفاده از مفتول و یا ورقه‌های فلزی به‌عنوان سکه‌های غیر ممه‌ور بود که با فشار دادن مهر روی آن نقوشی با فرورفتگی ایجاد می‌شد. این نوع ضرب که در حقیقت، عمل معکوس سکه‌های ضربی است متأثر از هنر یونان نیست بلکه تحت تأثیر شمش‌های ایرانی و سکه‌های گلبولی قرار دارد. به نظر می‌رسد تجار و سپس مسئولان سیاسی این فلزات را به اوزان معین تقسیم و به حک نقوش مربوط روی آن می‌پرداختند. شاید علت این امر استفاده کلیه مردم از سکه‌های مذکور در هر منطقه‌ای در داخل و خارج از قلمرو سیاسی بوده است که درجه خالص بودن آن را مسئولان عالی‌رتبه‌تر با قدرت سیاسی و اقتصادی لازم تأیید می‌کردند. سکه‌های فشاری که در کلیه مناطق آسیا رواج کامل داشت، به آرامی با فناوری ضربی که یونانیان معرفی کردند درآمیخت. هخامنشیان از ترکیب این دو فناوری سود فراوانی در ضربخانه‌های خود بردند (خادمی ندوشن، 1379 و 192).

2-1-2- سکه‌های ضربی

در شمال غربی هند، نخستین بار هخامنشیان سکه‌های ضربی را ضرب کردند. در آسیا سکه‌های نقره عمومیت بیشتری داشتند. در کنار آن‌ها سکه‌های ضربی فاقد نوشتار نیز ابداع شد. بعدها با پیشرفت فناوری ضرب بومی در دو طرف سکه طرح‌هایی ایجاد گردید که در یک طرف آن نقش شیر و در طرف دیگر نقش فیل بود. البته با گذشت زمان روی آن نوشتارهایی هم حک شد. این ابزار اقتصادی و سیاسی در سطح هر منطقه ارزش و کارکرد خود را داشت. از این‌رو شاهان و شهرهای شاهنشاهی، به‌طور مستقل به ضرب انواع خاصی از سکه بر اساس وزن (شکل) مبادرت می‌ورزیدند. جنس طلای این سکه‌ها در سراسر دنیا و از جنس نقره آن بیشتر در خود ایران استفاده می‌شد (لیندزی، 1390 و 220).

سکه‌های هخامنشی سه گروه هستند:

1. سکه‌های شاهان هخامنشی
2. سکه‌های ساتراپی‌های هخامنشی
3. سکه‌های امیران تابع فرمانروای هخامنشی

1. سکه‌های شاهان هخامنشی؛ به دو صورت، دریک از طلا و شیکل از نقره ضرب می‌شده‌اند که روی سکه به‌طور معمول نقش شاه به‌صورت نیزه‌دار به‌جز سکه‌های داریوش سوم که شاه را خنجر به دست می‌نمایاند و پشت آن فرورفتگی نامنظم دیده می‌شود. (تصویر 6 و 7) دو دریکی نیز در زمان داریوش سوم ایجاد شد. بر این سکه‌ها، شیارهای موج، یا نقش دو هلال و یا نقش قسمت جلوی کشتی دیده می‌شود. (تصویر 8)



تصویر 6 - سکه دریک

مأخذ: (www.javaherbazar.com)



تصویر 7 - سکه شیکل

مأخذ: (www.javaherbazar.com)



تصویر 8- سکه دودریکی
مأخذ: (www.javahezbazar.com)

2. سکه‌های ساتراپی‌های هخامنشی؛ علاوه بر دریک که مخصوص ضرابخانه‌های سلطنتی بود ممالک تابع و شهرهای یونانی آسیای صغیر در تصرف ایران و فرمانروایان (ساتراپ) تعیین شده از سوی شاه، حتی فرمانروایان ارتش اجازه داشتند هر یک جداگانه از فلزی که مایل بودند سکه بزنند در بعضی ساتراپ‌ها، فرمانروایان محلی که از شاهزادگان و بزرگان پارس یا ماد بودند اجازه ضرب سکه داشتند. سکه‌های طلا در مرکز ضرب می‌شد در حالی که حاکمان فقط اجازه داشتند سکه نقره ضرب نمایند (قدیانی، 1387 و 244). بر روی سکه‌های هر شهر یا ساتراپی، نقوش که نشان‌دهنده اقتدار و ویژگی خاص هر کدام از آن‌ها بوده زده می‌شد. روی آن‌ها به‌طور مکرر نقش سر یک مرد به تصویر درآمده که اگر حاکمان محلی باشد، آغازگر نمایش تصویر قدرت‌های محلی روی سکه‌ها به شمار می‌آمده است با این حال دستگاه دیوانی در انتخاب هر کدام از نقوش آزاد بود (لیندزی، 1390 و 222). این سکه‌ها اغلب دارای نوشته سه خط آرامی هستند و در ضرابخانه‌های سلطنتی تهیه شده‌اند.

3. سکه‌های امیران تابع فرمانروایی هخامنشی؛ این سکه‌ها به ایالاتی از قبیل کاری، لیبی، کتیوم، سالامین، قبرس، فنیقیه و ... تعلق دارند (نامجویان، غفاریان، 1384 و 303). زمانی که آن‌ها تحت اطاعت هخامنشیان درآمدند، استقلال داخلی خود را حفظ کرده در کمال آزادی سکه زده‌اند و از لحاظ نقش نیز اختیار داشتند و به دلخواه، نقوش مربوط به مذهب و خدایان مورد ستایش و خط محلی خود را به کار بردند (سرفراز، آورزمانی، 1391 و 16). این تصاویر با زمینه‌ی خاص محلی، معانی و مضمون محلی خاص خود را داشت. برای نمونه صحنه شکار شاه پارس و شیر همچنین دایره بالدار روی سکه‌های سامری و کیلیکی به‌صورت دیگر ظاهر شد و تصویرهایی نیز روی مهرهای مسطح ایجاد گردید (لیندزی، 1390 و 221).

سکه‌ای که بر روی آن، شاه سوار بر اسب و بر روی دیگر نقش کشتی منقور است، در کشورهای تابع هخامنشیان نیز رواج یافت ولی دریک را که از طلا بود خیلی کم سکه می‌زدند (قدیانی، 1387 و 244). آن‌ها، برخلاف تصاویر مختلط در نقوش محلی (مانند برج و بارو و کشتی‌ها) که در شهرهای غرب دیده می‌شد در آسیای صغیر ضرب می‌شده‌اند و از لحاظ سنتی بر روی آن‌ها برجستگی‌هایی دیده می‌شود. آن‌ها تاریخ نداشتند و تاریخ آن‌ها از طریق شناسایی سبک تصاویر شاهی بر روی سکه حدس زده می‌شد (لیندزی، 1390 و 218). در یک طرف دریک صورت تیرانداز پارسی که زانو به زمین زده و زه کمان را می‌کشد و طرف دیگر تصویر شاه است که ایستاده و تاج کنگره‌داری بر سر گذاشته است - علامتی که او را از سایر ساتراپ‌های تابعه ممتاز می‌کرد - زانوی او خمیده است و زانوی راست او به سمت جلو و پای چپ به طرف عقب متمایل است. کمان و نیزه‌ای، در دست دارد، این شکل طور خلاصه نشان‌دهنده‌ی فرماندار بودن اوست. برخی معتقدند که این طرز قرار گرفتن، مشخصه فرمانداران در حال جنگ است. یونانیان نیز با در نظر گرفتن خصوصیات دریک بدان نام عمومی فرماندار (سازتباری) داده بودند چراکه یک تیردان مملو از تیر در پشت شاه دیده می‌شود. فقط در روی سکه‌های شکل و گاهی بندرت در روی دریک‌ها شاه به‌جای نیزه خنجر در دست

دارد. پشت آن نیز به جز موارد استثنایی دارای فرورفتگی چهارگوش و گود و ناهمواری‌های نامنظم است. این فرورفتگی‌ها و نقوش و خطوط، زمانی در طول، گاهی در عرض آن دیده می‌شود.

در شکل خارجی، وزن و عیار دریک‌ها از زمان داریوش اول تا عهد داریوش سوم، یعنی مدتی نزدیک به 20 قرن، به‌هیچ‌وجه تغییری حاصل نشده است. با سقوط هخامنشیان در سال 330 ق.م ضرب آن‌ها کاملاً متوقف نگردید و بعضی از ضرابخانه‌های آسیا، در زمان اسکندر و حتی پس از او نیز به کار خود ادامه دادند. ولی سکه‌های دو دریکی تا خاتمه تجزیه‌ی امپراتوری اسکندر رسماً رواج داشت. شکل نیز به مدت یک قرن تقریباً بدون هیچ‌گونه تغییری باقی ماند اما در زمان اردشیر دوم کماندار روی آن یا به کلی از میان رفت یا در وضع آن تغییرات بسیاری صورت گرفت و به جای کماندار که در یکدست کمان و در دست دیگر نیزه داشت، کمانداری در حال تیراندازی دیده می‌شود، سپس در زمان اردشیر سوم، نیم‌تنه‌ی کماندار تا ساق‌های پای او پایین آمده است و بالاخره در دوران سلطنت داریوش سوم در دست فرمانروا خنجری قرار دارد، اما همان‌طور که اشاره شد به استثنای موارد نادر در دریک تغییراتی دیده نمی‌شود و تا آخر دوران هخامنشیان به همان شکل باقی مانده است (سرفراز، آورزمانی، 1391 و 13).

دریک‌ها و دودریکی‌ها و شکل و برخی از سکه‌های نقره که به‌وسیله ساتراپ‌ها و در سرزمین‌های تابعه ضرب شده، عموماً دارای نقش کماندار پارسی است. شکل متحد سکه‌ها، انتساب آن‌ها را به شاهی که در زمان او سکه ضرب شده است دشوار و مشکل می‌کند. در آغاز حکومت هر زمامداری، شکل و تصویر فرمانروا حتی‌الامکان متناسب با خطوط چهره‌ی او تهیه می‌گردید و این تصویر تا آخر دوران سلطنت او، حتی باوجود تغییراتی در قیافه، بدون تغییر باقی می‌ماند؛ بنابراین باید قبول کرد که تصویر رسمی شاهان بر روی سکه‌ها نقش می‌شد و اختلاف جزئی سکه‌ها را باید ناشی از ضرب آن‌ها در ضرابخانه‌های مختلف و اثر حکاکان و هنرمندانی دانست که خطوط چهره شاهان و سایر مشخصات آن را ترسیم و بر سکه‌ها نقر می‌نمودند (همان، 14). از آنجاکه سکه‌ها فاقد خط و نوشتار هستند، تشخیص آن‌ها با مطالعه و بررسی سکه ساتراپ‌ها و کشورهای تابعه که دارای خط و تاریخ بوده و اغلب مزین به نقش فرمانروای هخامنشی است میسر گردید. همچنین مقایسه‌ی سکه‌ها با مهرها، مخصوصاً نقوش برجسته آن دوران از راه‌های شناخت این مسکوکات بوده است.

3- بررسی تطبیقی مهرها و سکه‌ها

با مطالعه بر روی آثار به دست آمده از مهرها و سکه‌ها و تطبیق نقوش آن‌ها می‌توان تشابهاتی را برشمرد. در هر دو، حکاکی نقوش به‌صورت کنده‌کاری و فرورفتگی بر روی انواع سنگ‌های قیمتی می‌باشد با این تفاوت که در سکه‌ها فقط طلا و نقره مورد استفاده قرار می‌گرفت. در تشابه نحوه‌ی کاربرد می‌توان گفت مهرهایی که کاربرد رسمی و اداری داشتند و سکه‌های دریک که از طلا و فقط توسط پادشاه ضرب می‌شدند سلطنتی و جهانی بوده و مهرهایی که توسط مردم و افراد ویژه استفاده می‌شدند و سکه‌های نقره، غیر سلطنتی و فقط در ایران مورد استفاده قرار می‌گرفتند. همچنین از دیگر تشابهات می‌توان به ایرانی بودن سبک مهرها و سکه‌های سلطنتی و رسمی اشاره کرد و در مقابل تأثیرپذیری از یونان در مهرها و سکه‌هایی با کاربرد مردمی و غیر سلطنتی. در اکثر مهرها و سکه‌ها غالباً نوشته‌ای مشاهده نمی‌شود اگرچه با گذشت زمان ممکن است نوشته‌هایی در روی آن‌ها حک شده باشد. در این نقوش تفاوت‌هایی در موضوع دیده می‌شود. در مهرها شاه کماندار در جدال با حیوانات و جانوران اساطیری، درخت نخل در پس‌زمینه، نقش قرص بالدار یا نماد اهورامزدا در بالای صحنه دیده می‌شود در حالی که نقوش سکه‌ها در یک طرف نقش تیرانداز پارسی با کمانی در دست و در سوی دیگر تصویر شاه را نشان می‌دهند و وجه تشابه مضامین نقوش هر دو، در کماندار بودن شاه است که این کمان علامت نیروی پادشاهی و نشانه‌ای در دوره هخامنشی است که در تمامی این دوره ثابت مانده است.

همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی
International Conference on Innovation and Research in Arts and Humanities

سکه‌ها		مهرا	موارد تطبیق
روش ضرب سکه‌ها	انواع سکه‌ها بر اساس جنس		

جدول 1- تطبیق ساختار مهرا و سکه‌ها

انواع	استوانه‌ای	مسطح	دریک	شکل	ضربی	فشاری
شکل	استوانه	مدور یا بیضی	شکل متحد	شکل متحد	شکل متحد	شکل متحد
نوع حکاکی	کنده کاری بر بدنه	کنده کاری بر بدنه و ته	فرورفتگی بر روی فلز با فشار علائم مهر پشت سکه فرورفتگی چهار گوش، گود، ناهمواری‌های نامنظم بدون تصویر	فرورفتگی بر روی فلز با فشار علائم مهر پشت سکه فرورفتگی چهار گوش، گود، ناهمواری‌های نامنظم بدون تصویر	در دو طرف سکه	در دو طرف سکه
جنس	سنگ‌های قیمتی مختلف	سنگ‌های قیمتی مختلف	طلا	نقره	طلا و نقره	طلا و نقره
کاربرد	اهداف رسمی و اداری توسط فرمانروایان اولیه	خصوصی به صورت نگین- توسط افراد ویژه و مردم عادی	در سراسر دنیای آن روزگار	فقط در ایران	کلیه مناطق آسیا- با تقسیم به اوزان مشخص برای استفاده کلیه مردم	کلیه مناطق آسیا- با تقسیم به اوزان مشخص برای استفاده کلیه مردم

جدول 2- تطبیق مفاهیم نقوش مهرها و سکه ها

موارد تطبیق	مهرها		سکه‌ها	
	استوانه‌ای	مسطح	دریک	شکل
سبک	سلطنتی	غیر سلطنتی	سلطنتی	سبکی مبین سلطنتی بودن آن‌ها وجود ندارد.
تأثیرپذیری	ایرانی	یونانی	ایرانی	یونانی

موضوع	غیرمذهبی، جهان عادی	غیرمذهبی، جهان عادی	غیرمذهبی، جهان عادی
شکل نقوش	شاه در جدال با حیوان (اغلب شیر) یا موجودات اساطیری (ابوالهول)، پیاده با کمان یا نیزه و یا سوار ارابه، مجالس شکار یا جنگ، قرص بالدار یا اهورامزدا در بالای صحنه، درخت نخل در پس‌زمینه، مردی در لباس مادی کنار آتشگاه	همان مضامین مهرهای استوانه‌ای را دارند تنها نقش یک پیکر بر آن‌ها کنده شده است.	صورت تیرانداز پارسی در حال کشیدن کمان در یک طرف و در طرف دیگر تصویر شاه با تاج کنگره‌دار و به‌ندرت شاه خنجر به دست دارد
خط و نوشته	غالباً دارد اما به خطوط و زبان‌های دیگر	به‌طور کلی فاقد خط و نوشتار می‌باشند. نخستین بار سکه‌های ضربی فاقد نوشتار نیز ابداع شد. بعدها با گذشت زمان روی آن نوشتارهایی هم حک شده است.	

نتیجه‌گیری

از آنجایی که مهرها و سکه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین یافته‌ها در حفاریات باستان‌شناسی، نشان‌دهنده سیر تحول فرهنگ و تمدن مردم یک دوران می‌باشند. با بررسی نقوش آن‌ها می‌توان به جنبه‌های قدرت و ضعف حکومت و نیز قدرت فکری و معنوی و پیشرفت تمدن مردمان آن عصر پی برد.

مهرهای هخامنشی منعکس‌کننده‌ی روش‌های گوناگونی از شیوه‌های آشوری و بابل جدید تا سبک جدید یونانی می‌باشند که در دوران هخامنشی یکپارچه شدند، به همین علت دارای سبک و نقش متفاوت می‌باشند.

با بررسی نقوش مهرهای با سبک ایرانی و سکه‌هایی که با هنر ایرانی ضرب شده‌اند می‌توان دریافت اگرچه هخامنشیان از نظر بازرگانی در ارتباط مستقیم با یونانیان بودند، روش ضرب آنان متأثر از روش ضربی و فشاری بوده و به این علت که سکه زنی با ضرب سکه‌های ضربی آغاز نمی‌گردد، روش ضرب سکه‌های فشاری یا شمشی احتمالاً برگرفته از تجربه مهرسازی است و سال‌ها قبل از هخامنشیان در سیستم دادوستد قرار گرفته که این سکه‌ها جایگزین مهرسازی شده و تا قرن سوم بعد از میلاد در شرق ایران در جریان بوده است.

با مطالعه و تطبیق نقوش مهرها و سکه‌ها با توجه به جداول شماره 1 و 2 می‌توان دریافت علیرغم وجود تفاوت‌ها در سبک مهرها و سکه‌های هخامنشی، پادشاه را همواره به کمان (به‌عنوان علامت نیروی پادشاهی) که به‌منزله‌ی نشانه‌ای در دولت هخامنشی است نشان داده‌اند و این موضوع در تمام مدت پادشاهی این دوران، ثابت باقی می‌ماند.

پی‌نوشت

- 1- آلتی است که از جنس فلز یا سنگ یا شیء دیگر ساخته شده و نام یا امضا و یا سایر مشخصات صاحب مهر و یا علامت دیگری روی آن حکاکی شده و اثر آن بر روی اوراق به‌جای امضا مورد استفاده قرار می‌گیرد (علمی، 1386 و 11).
- 2- موجود افسانه‌ای. با پیکری ترکیبی از سر انسان و بدن شیر. در اصل، در مصر باستان موجودی مذکر و نماد رع بود و غالباً فرعون فرمانروا را مجسم می‌کرد (مثلاً ابوالهول عظیم جیزه تجسم خفرع است) (پاکباز، 1390 و 969).
- 3- سکه عبارت از یک قطعه فلز به وزن معین که روی آن علامت رسمی دولت یا حکومتی که عیار و وزن آن را نشان می‌دهد، نقش گردیده است (سرفراز، آورزمانی، 1391 و 6).

فهرست منابع

- [1] بروسیوس، ماریا (1385)؛ ایران باستان، مترجم: عیسی عبدی، تهران: نشر ماهی
- [2] پاکباز، روئین (1390)؛ دایره المعارف هنر، تهران: نشر فرهنگ معاصر
- [3] حسین بر، رحمت‌الله (1387)؛ «مدیریت در ایران باستان: آشنایی با نظام مدیریت اداری داریوش»، مدیریت تدبیر، شماره 197: صص 48-43
- [4] خادمی ندوشن، فرهنگ (1379)؛ «مروری کوتاه بر ضرابخانه‌های شبه قاره هند»، مدرس علوم انسانی، شماره 14: صص 187-192
- [5] دشتی، فریده (1392)؛ نگاره شیر در اندیشه و هنر هخامنشیان، یزد: نشر اندیشمندان
- [6] رضایی آذر، ندا (1387)؛ «کهن مهرها نشانه‌ی هویت و مالکیت»، نقش‌مایه، سال اول، شماره 2: صص 17-28
- [7] سرفراز، علی‌اکبر، آوزمانی، فریدون (1391)؛ سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: انتشارات سمت
- [8] سرفراز، علی‌اکبر، فیروزمندی، بهمن (1385)؛ باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، تهران: مارلیک
- [9] علی بیگی، سجاد، خسروی، شکوه (1388)؛ «شواهدی از نهادهای اقتصادی-اجتماعی-؟-جوامع عصر آهن در مرکز فلات ایران»، مطالعات باستان‌شناسی، شماره 1: صص 85-88
- [10] علومی، محمد (1386)؛ «تاریخچه پیدایش امضا و مهر و آثار آن»، کانون، شماره 77: صص 130-133
- [11] فریه ر، دبلیو (1374)؛ هنرهای ایران، مترجم: پرویز مرزبان، تهران: انتشارات فروزان
- [12] فکری پور، کتایون (1391)؛ «بررسی هنر مهرسازی در زمان هخامنشیان و ساسانیان»، نقش‌مایه، سال پنجم شماره 12: صص 39-52
- [13] قدیانی، عباس (1387)؛ تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره هخامنشیان، تهران: نشر فرهنگ مکتوب
- [14] قهرمانی، ابوالفتح (1349)؛ «سکه نشان قومیت و آزادگی»، هنر و مردم، شماره 92: صص 21-35
- [15] کالیکان، ویلیام (1384)؛ باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها، مترجم: گودرز اسعدبختیار، تهران: نشر پازینه
- [16] گیرشمن، رومن (1390)؛ ایران از آغاز تا اسلام، مترجم: محمد معین، تهران: انتشارات نگاه
- [17] گرکز، منصور (1387)؛ «بررسی نظام حسابداری و حسابرسی در ایران باستان دوره هخامنشی»، فقه و تاریخ تمدن، شماره 18: صص 127-150
- [18] لیندزی، آلن (1390)؛ تاریخ امپراتوری ایران، مترجم: عیسی عبدی، تهران: انتشارات امیر کبیر
- [19] نامجویان، فلورانس؛ غفاریان، زهرا (1384)؛ «کنکاشی بر فراسوی هنر همیشه جاوید هخامنشیان»، چیستا، شماره 224 و 255: صص 229 - 308
- [20] ولایتی، رحیم (1387)؛ «مطالعه بخشی از یافته‌های باستان‌شناسی مرتبط با هنر دوره هخامنشیان در مصر»، باغ نظر، شماره 10، صص 89-104
- [21] هژبری نوبری، علیرضا؛ طاووسی، ماهیار؛ طاووسی، محمود؛ خادمی ندوشن، فرهنگ (1389)؛ «تحلیلی درباره ویژگی‌های ظروف زرین و سیمین دوره هخامنشی در مقایسه با آثار فلزی پیش از آن»، دانشگاه هنر، شماره 6، صص 79-89

منابع تصویری

- تصویر 1: محمد پناه، بهنام (1385)؛ کهن دیار، ناشر سبزان، تهران: صص 144
- تصویر 2: محمد پناه، بهنام (1385)؛ کهن دیار، ناشر سبزان، تهران: صص 144
- تصویر 3: فکری پور، کتایون (1391)؛ «بررسی هنر مهرسازی در زمان هخامنشیان و ساسانیان»، نقش‌مایه، سال پنجم شماره 12: صص 44
- تصویر 4: محمد پناه، بهنام (1385)؛ کهن دیار، ناشر سبزان، تهران: صص 144
- تصویر 5: دشتی، فریده (1392)؛ نگاره شیر در اندیشه و هنر هخامنشیان، تهران: نشر اندیشمندان: صص 182

تصویر 6: [جواهر بازار](#) (26 بهمن 93)؛ سکه دریک و شکل، اولین سکه در دوره هخامنشیان؛

<http://www.javaherbazar.com/blog/%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D8%AF%D8%B1%DB%8C%DA%A9-%D9%88-%D8%B4%DA%A9%D9%84%D8%8C-%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%86-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D9%87%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D9%87%D8%AE%D8%A7/>

تصویر 7: [جواهر بازار](#) (26 بهمن 93)؛ سکه دریک و شکل، اولین سکه در دوره هخامنشیان؛

<http://www.javaherbazar.com/blog/%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D8%AF%D8%B1%DB%8C%DA%A9-%D9%88-%D8%B4%DA%A9%D9%84%D8%8C-%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%86-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D9%87%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D9%87%D8%AE%D8%A7/>

تصویر 8: [جواهر بازار](#) (26 بهمن 93)؛ سکه دریک و شکل، اولین سکه در دوره هخامنشیان؛

<http://www.javaherbazar.com/blog/%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D8%AF%D8%B1%DB%8C%DA%A9-%D9%88-%D8%B4%DA%A9%D9%84%D8%8C-%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%86-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D9%87%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D9%87%D8%AE%D8%A7/>